



چکیده

گاندی رهبر و پیشوای هند (۱۸۶۹-۱۹۴۸م) در طول بیش از نیم قرن مبارزه علیه استعمار انگلیس روش ساتیاگراها (عدم خشونت) را در پیش گرفت و سرانجام استقلال هند را در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۰ م اعلام کرد. در این مقاله ضمن اشاره به زندگی مبارزات گاندی به تجربیات روزنامه‌نگاری وی نیز پرداخته شده است. اولین تجربه روزنامه‌نگاری مهاتما گاندی چاپ رساله سبز در سال ۱۸۹۶ م در ۱۰ هزار نسخه است. گاندی همچنین در طول اقامت خود در آفریقای جنوبی هفته‌نامه افکار هندی (Indian Opinion) را منتشر می‌کرد که نخستین ابزار مبارزه او در طول سال‌های طولانی بوده است. هدف روزنامه‌نگاری از نظر گاندی، برطرف کردن سوء تفاهم‌های نژادی، مبارزه با نژادپرستی، انعکاس و انتشار حقایق، انعکاس عیوب و ضعف‌های مردم و ارائه راهکارها و ترویج مرام ساتیاگراها (عدم خشونت) بود. گاندی به درج آگهی در روزنامه به منظور کسب درآمد اعتقاد نداشت و آن را برخلاف اصول اخلاق حرفه‌ای می‌دانست. گاندی هدف روزنامه‌نگاری را خدمت به مردم می‌دانست و می‌گفت: نیروی مطبوعات و روزنامه قدرت عظیمی است، اما همان‌طور که نیروهای لجام گسیخته یک سیلاب می‌تواند روستاها را در خود غرق سازد و خرمن‌ها را نابود کند، نیروی قلمی که تحت کنترل و نظارت نباشد ممکن است در خدمت ویرانی و تباهی قرار گیرد. گاندی معتقد بود اگر کنترل و نظارت از بیرون اعمال شود، نتیجه آن سانسور است که نتایجش از نبودن کنترل خطرناک‌تر است. کنترل واقعی در صورتی ممکن است که از درون و از طرف خود نویسنده انجام شود. تقویت احساسات نیک، مردمی و واقعی، درک احساسات و بیان آن از مهم‌ترین وظایف مطبوعات از نظر گاندی بوده است. بنابراین گاندی به سانسور به مفهوم نظارت و کنترل از طرف دولت اعتقاد نداشت و از نظر وجدانی و اخلاقی، روزنامه‌نگار و صاحب امتیاز را ملزم به رعایت شؤون و اخلاق حرفه‌ای می‌دانست. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد: هدف روزنامه‌نگاری از نظر گاندی انعکاس اندیشه عدم خشونت در میان مردم، رواج عدم خشونت (ساتیاگراها)، از بین بردن بدی‌ها و اختلافات نژادی، مبارزه با استعمار و تلاش در برقراری وحدت بین هندوان و سایر فرقه‌ها به‌ویژه مسلمانان بوده است.

گاندی و اندیشه روزنامه‌نگاری

من هیچ چیز تازه ندارم که به جهان بیاموزم، حقیقت و عدم خشونت به اندازه کوهستان‌ها، کهن و قدیمی هستند. «مهاتما گاندی»
عبدالله زاکر

مهندس کرم چند (مهاتما گاندی) رهبر و پیشوای سیاسی و اخلاقی هند (تولد ۱۸۶۹ م - وفات ۱۹۴۸ م)

مهاتما گاندی در خانواده‌ای متوسط از طبقه بازرگانان متولد شد. پدر بزرگ او نخست‌وزیر حکومت محلی بود و پدرش هم همان شغل را داشت. مادرش بانویی متدین بود و همین ویژگی در شکل‌دهی شخصیت او نقشی اساسی داشت. وی تحصیلات ابتدایی را در شهر پور در بندر کاتیواوار گذراند. سپس همراه خانواده خود به راجکوت رفت و در آنجا به تحصیل خود ادامه داد. اما پدرش در سال ۱۸۸۵ م درگذشت و او مادر متعصبش را راضی کرد که برای تحصیل حقوق به لندن برود. مادر هم پس از گرفتن قول از فرزند مبنی بر این که هرگز به زن، شراب و گوشت دست نزنند، موافقت کرد. در ماه‌های آغازین اقامت در آن شهر، روحیات و اخلاق او دچار دگرگونی آشکاری شد تا آنجا که به آموختن ویولن، رقص و آیین سخنوری پرداخت. سپس به علت ارتباط نزدیک با طرفداران گیاهخواری به سوی این مقوله گرایش پیدا کرد. هنگام اقامت در لندن آثار بزرگ دینی کشور خود را به زبان انگلیسی خواند و آنگاه به مطالعه دیگر ادیان به‌خصوص اسلام و مسیحیت پرداخت. فصل مربوط به پیغمبر اسلام از کتاب نورآسیا تألیف ادوین آرنولد اثری عمیق در وی گذارد و پس از این که مطالعه انجیل را به پایان رساند، روند تحولات بزرگ اخلاقی او آغاز شد.

گاندی در ژوئن ۱۸۹۱ به هند بازگشت. در بمبئی شنید که مادرش درگذشته است و به قول خودش مرگ مادر اندوهی به مراتب بیشتر از غم درگذشت پدر در وی ایجاد کرد.

پس از آن به بمبئی رفت تا به شغل وکالت بپردازد ولی توفیق نیافت. ناگزیر به پیشنهاد یک کمپانی هندی به آفریقای جنوبی رفت تا پرونده آن شرکت را مورد

مطالعه قرار دهد و در دادگاه از آن دفاع کند. این مسافرت در آوریل ۱۸۹۳ صورت گرفت و در واقع مقدمه مبارزه‌های سیاسی و اجتماعی گاندی به‌شمار می‌رود. در آن زمان سیاست دولت آفریقای جنوبی نسبت به غیر اروپاییان به‌خصوص هندوان بسیار ناپسند بود. مقاومت‌های سرسختانه ولی مسالمت‌آمیز گاندی در برابر قوانین ظالمانه آن دولت، اسباب شهرت او را فراهم کرد. چنان‌که هندوان او را نماینده خود می‌دانستند و دستوراتش را اجرا می‌کردند. گاندی در طول اقامت در آفریقای جنوبی چندبار از طرف مأموران دولتی و غیردولتی مضروب شد و به زندان افتاد، ولی هرگز تسلیم نشد. او پس از سه سال اقامت در آفریقای جنوبی و

جلسات سالانه حزب کنگره ملی. گاندی با استفاده از موقعیت پیش‌آمده، چند قطعه نامه راجع به وضع هندوان مقیم آفریقای جنوبی به حزب پیشنهاد کرد که همه به تصویب رسید. به دنبال این امر وی تصمیم گرفت با قطار درجه سه به سراسر کشور هند مسافرت کند تا هم با روحیه مردم و وضع زندگی آنها در نواحی مختلف آشنا شود و هم طی سفرهای طولانی خود از نزدیک ببیند که قشر سوم جامعه چگونه زندگی می‌کند و به چه چیز احتیاج دارد و چه عواملی برای پیشرفت آنها لازم است. ولی هنوز چندی از آغاز سفرهای وی نگذشته بود که هندوان مقیم ناپال به وسیله تلگرام او را احضار کردند تا هنگام سفر چمبرلین به آفریقای جنوبی

■ اولین تجربه روزنامه‌نگاری مهاتما گاندی چاپ «جزوه سبز» در سال ۱۸۹۶ م در ۱۰ هزار نسخه است.

■ هدف روزنامه‌نگاری از نظر گاندی، برطرف کردن سوءتفاهم‌های نژادی، مبارزه با نژادپرستی، انعکاس و انتشار حقایق، انعکاس عیوب و ضعف‌های مردم و ارائه راهکارها و ترویج مرام ساتیاگراها (عدم خشونت) بود.

همراه با هیأت نمایندگی هندوان با وی ملاقات کند و تقاضای ایشان را که لغو مالیات‌های سنگین و جلوگیری از سیاست امتیازات فعلی و تبعیضات نژادی بود به اطلاع نماینده دولت انگلیس برساند. ولی مقامات اروپایی آن دیار مانع از ملاقات گاندی با چمبرلین شدند و او ناچار راه دیگری در پیش گرفت و برای وکالت در دادگاه عالی ژوهانسبورگ نام‌نویسی کرد. در همین ایام زولوها، علیه حکومت انگلیس در آفریقای جنوبی قیام کردند و گاندی به پیروی از عقیده خود یک واحد بهداری جدید تشکیل داد تا به آسیب‌دیدگان و بیماران یاری رساند. خدمت در این واحد پایه اصلی زندگی اخلاقی گاندی را تشکیل داد. او در

مسافرت به نقاط مختلف آن به هند بازگشت و بر آن شد تا ملت هند را از بی‌عدالتی‌هایی که نسبت به هموطنان‌شان در آفریقای جنوبی می‌شد، آگاه کند. در راستای چنین هدفی، چند جزوه انتشار داد که یکی از آنها سبب شد به هنگام بازگشت دوباره به آفریقای جنوبی از طرف اروپاییان مورد اذیت و آزار قرار گیرد.

گاندی در دومین مسافرت خود به آفریقای جنوبی خانواده خود را همراه برده بود. زمان شروع جنگ‌های بوئر "Boer" در سال ۱۸۹۹ برای هندوان مقیم آن سامان، یک واحد بهداری بنا نهاد و به قشون انگلیسی خدمت کرد و سپس در سال ۱۹۰۱ م به وطن بازگشت. ورود او به هند همزمان بود با تشکیل

راهپیمایی‌های طولانی خود فرصت یافت تا به تعمق و تأمل دربارهٔ نفس بپردازد. تصمیمات وی در این ایام جهت زندگی او را به‌طور کلی تغییر داد و او را در مسیر جدیدی انداخت. نخستین تصمیم وی - به اصطلاح هندی - «تجردی در عین تأهل» (Brahna Charya) است. بدین معنی که شوهر در حالی که نهایت احترام و عزت را برای همسر و حقوق او قایل است، از انجام اعمال شهوانی پرهیز می‌کند و اجازه نمی‌دهد که دیو شهوت، حتی یک‌بار او را بفریبد. تصمیم دوم وی «عدم تملک» است. وی معتقد بود که نیازی نیست به گردآوردن مال بپردازد و حداقل وسیله

خصلتی موعظه می‌کند باید ابتدا خودش از آن خصیصه بهره‌مند باشد. گاندی با مطالعه آثار تولستوی و تورو Thorau دریافت که یگانه راه مبارزه با زورگویی مقامات اروپایی نسبت به هندوان آفریقای جنوبی استفاده از روش ساتیاگراهاست که از آن با عنوان «مقاومت منفی» یاد می‌کنند. ولی انگیزهٔ اصلی پافشاری و مقاومت، تحقق راستی و حقیقت است. گاندی با پیروی از اصل «با شریر مقاومت مکن» که از اندرزهای عیسی (ع) است، به هم‌میهنان خود توصیه می‌کرد در راه راستی مبارزه کنید ولی هرگز به اعمال زور و خشونت

در سال ۱۹۱۵ که گاندی به میهن خود بازگشت، به قول تاگور، روحی بزرگ ولی ژنده‌پوش بود که از مال دنیا چیزی نداشت ولی اراده کرده بود به اصلاح اخلاق هموطنان خود بپردازد. در آن زمان هنوز عده کمی در هند، گاندی را می‌شناختند ولی سفرهای مرتب او به استان‌های مختلف کشور و به‌خصوص آغاز مبارزه ساتیاگراها در یکی از شهرهای ایالت بهار موسم به «چام یاران» و موفقیت این مبارزه - که علی‌رغم میل گاندی توسط مطبوعات در سراسر کشور تبلیغ می‌شد - سبب شد تا روز به روز بر تعداد پیروان او افزوده شود. مبارزه «چام یاران» به قول مطبوعات ملی هند ثابت کرد، ملتی که بخواهد به استقلال برسد باید بپاخیزد و بپاخستن هم مولود اراده است.

مبارزه کارگران نساجی احمدآباد هم دومین عامل و شهرت او شد. گاندی طی دو سال اول بازگشت خود از آفریقای جنوبی، چند مبارزه مسالمت‌آمیز را هدایت کرد و در همهٔ نشست‌ها و سخنرانی‌های خود پیشاپیش دیگران حرکت می‌کرد و علت اصلی پیشرفت او همین بود. در سال ۱۹۱۷ نایب‌السلطنه انگلیسی هند، از او تقاضا کرد که برای موفقیت انگلستان در جنگ، مردم را تشویق کند تا در قشون انگلیسی هند نام‌نویسی کنند. گاندی که هنوز امپراتوری بریتانیا را صالح می‌پنداشت پیاده به راه افتاد و با تحمل مصائب بسیار واحد بزرگی تشکیل داد. گاندی تا این زمان قدم به صحنهٔ سیاست هند نگذاشته بود. حکومت انگلیسی هند به جای پاداش فداکاری‌های هندوان در جنگ بین‌المللی اول، قانونی تصویب کرد تا هند را در زنجیر اسارت نگه‌دارد. به موجب این قانون که «رولت بیل» نامیده می‌شد، دولت می‌توانست هر فرد هندی را که علیه او سخنی براند و یا چیزی بنویسد، بدون محاکمه، زندانی یا اعدام کند. در واقع

■ گاندی هدف روزنامه‌نگاری را خدمت به مردم می‌دانست و می‌گفت:

نیروی مطبوعات و روزنامه قدرت عظیمی است، اما همان‌طور که نیروی لجام گسیخته یک سیلاب می‌تواند روستاها را در خود غرق سازد و خرمن‌ها را نابود کند، نیروی قلمی که تحت کنترل و نظارت درونی نباشد ممکن است در خدمت ویرانی و تباهی قرار گیرد.

■ گاندی معتقد بود اگر کنترل و نظارت از بیرون اعمال شود، نتیجه آن سانسور است که نتایجش از نبودن کنترل خطرناکتر است.

برای یک زندگی ساده کافی است. گاندی اجرای این تصمیم را با اهدای همه دارایی خود - حتی جواهر زنش - به کنگره هندوان مقیم آفریقای جنوبی آغاز کرد. ارائه اندیشه‌های اصولی گاندی که بخش مهم آن در راه‌پیمایی‌های جنگ زولو حاصل شد، با مطالعات وی در کتب بزرگان همراه بود. به تصدیق خود او آثار تولستوی، جان رسکین، آدولف ژوست و از همه مهم‌تر تعلیمات گیتا کتاب مقدس هندوان و انجیل و قرآن مجید و اقوال پیامبر اسلام در نوع دوستی، خلوص، اخوت و سادگی تأثیر عمیقی بر افکار او به‌جا گذاشت. او معتقد بود هرکس در مدح

نپردازد، تا موفق شوید. گاندی سومین بار در سال ۱۹۰۹ م به زندان با کار محکوم شد. در طول سه ماه محکومیت، ساعات فراغت را به مطالعه می‌پرداخت و چنان از نظر روحیه و جنبه‌های اخلاقی تقویت شد که اعلام کرد بهترین محل برای ساختن و پرداختن روح زندان است. پایداری آرام و عدم توسل به اسلحه و پاسخ متقابل، دولت را به زانو در آورد، تا آنجا که حتی گاندی را آزاد کردند و قانون «غیرقانونی بودن ازدواج غیراروپایی» و قانون «سیاه» و قانون «منع عبور از سرزمین ترانسوال و ناتال» را لغو کردند.

■ **تقویت احساسات نیک، مردمی و واقعی، درک احساسات و بیان آن از مهم‌ترین وظایف مطبوعات از نظر گاندی بوده است.**

■ **گاندی به سانسور به مفهوم نظارت و کنترل از طرف دولت اعتقاد نداشت و از نظر وجدانی و اخلاقی، روزنامه‌نگار و صاحب امتیاز را ملزم به رعایت شؤون و اخلاق حرفه‌ای می‌دانست.**

■ **هدف روزنامه‌نگاری از نظر گاندی انعکاس اندیشه عدم خشونت در میان مردم، رواج عدم خشونت (ساتیاگراها)، از بین بردن بدی‌ها و اختلافات نژادی، مبارزه با استعمار و تلاش در برقراری وحدت بین هندوان و سایر فرقه‌ها به‌ویژه مسلمانان بوده است.**

رولت بیل قانون خفقان عمومی بود و همین قانون، گاندی را از خواب بی‌خبری بیدار کرد و نظرش را نسبت به حکومت خارجی تغییر داد و ناگزیر او را به صحنه سیاست کشاند.

مبارزات سیاسی وی از سال ۱۹۱۹ م، شروع شد و تا پایان زندگی‌اش ادامه داشت. او در این مدت طولانی یک‌هفته‌تاز سیاست هند بود. گاندی در ظرف این ۲۹ سال سیاست هند را متحول کرد ولی خود او تغییری نکرد. یا او برای بیدار کردن احساسات مردم و تعمیم مبارزات، دستور «هستل» را صادر کرد و آن را نوعی اعتصاب و اعتراض عمومی دانست که به هنگام اجرای آن، همه دکان‌ها و بازارها بسته می‌شود. کارمندان ادارات و بنگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی از حضور در محل کار امتناع می‌ورزیدند. چندی بعد به سبب از بین رفتن امپراتوری عثمانی مسأله خلافت پیش آمد. این امر که باعث تشکیل جلسات و مجامع مختلف شده بود، توجه گاندی را به خود جلب کرد و در چند گردهم‌آیی به نفع هندی‌های مسلمان سخنرانی کرد. در یکی از این نشست‌ها بود که نهضت «عدم همکاری با حکومت انگلیس» را پیشنهاد کرد. سپس نهضت «سواراج» یا مبارزه برای حکومت

خودمختاری هند را آغاز کرد.

گاندی در سال ۱۹۲۰ م مرکز سیاست حزب کنگره ملی را بنا نهاد ولی ریاست حزب را نپذیرفت و به‌طور غیرمستقیم آن را اداره می‌کرد. نهضت عدم همکاری با اقدام گاندی مبنی بر بازگرداندن همه مدال‌ها و نشان‌هایی که دولت انگلیس در آفریقای جنوبی به وی هدیه کرده بود، آغاز شد. عده بسیاری از ملی‌گرایان هند مدال‌های خود را برای نایب‌السلطنه پس فرستادند.

شاگردان مدارس، کلاس‌های درس را تعطیل کردند و در کوچه و خیابان اجتماع کردند تا به فرمان گاندی عمل کنند. گاندی با مشاهده علاقه عمومی مردم به آزادی و استقلال، در هر موعظه‌ای که می‌کرد و مقالاتی که در دو نشریه هفتگی خویش موسوم به هند جوان و هند نوجوان می‌نوشت، مردم را به آرامش تشویق می‌کرد. با این‌که به دنبال قتل یکی از مأموران دولتی به دست مردم - دولت که در پی فرصت بود - گاندی را بازداشت کرد و قاضی انگلیسی او را به شش سال حبس بدون کار محکوم کرد. گاندی مطالعات دینی و اخلاقی خود را در زندان ادامه داد، اما به علت بیماری در ژانویه ۱۹۲۴ به بیمارستان منتقل شد و در حالی که

بیهوش بود، یک پزشک انگلیسی به علت عارضه آپاندیس، او را جراحی کرد. در این بین میان مسلمانان و هندوان هند اختلافاتی پیش آمد. از سوی دیگر سیاست خارجی هم آتش اختلافات را دامن می‌زد. گاندی به مدت پنج سال از فعالیت در سیاست کناره‌گیری کرد و فقط در راه وحدت نظر مسلمانان و هندوان کوشید. زیرا علاوه بر اختلاف نظرهای دینی، در حزب کنگره ملی انشعاب به‌وجود آمده بود. گاندی در پایان سال ۱۹۲۹ که جلسات سالانه حزب برپا بود، قطعنامه‌ای پیشنهاد کرد که به موجب آن حصول آزادی، استقلال و هدف عالی حزب اعلام شد. با تصویب این قطعنامه آشکار شد که گاندی مصمم است بار دیگر قدم به عرصه سیاست گذارد. نهضت سواراج بار دیگر رونق گرفت. روز ۲۶ ژانویه ۱۹۳۰ روز خودمختاری اعلام شد و هندوان از این پس این روز را جشن گرفتند و چون در همین روز (۲۶ ژانویه ۱۹۴۸) جمهوریت هند اعلام شد، اکنون آن را روز را «روز جمهوری» می‌خوانند.

در فوریه سال ۱۹۳۱ مذاکرات گاندی و ابروین برای تعیین سرنوشت هند آغاز شد و ملت درخواست‌های خود را به دولت انگلستان ارائه داد. دولت کارگری انگلیس نیز وعده یاری داد و پیمان «گاندی ابروین» در پنج مارس امضاء شد. گاندی در روز ۲۹ اوت با کشتی به سوی لندن حرکت کرد تا در دومین کنفرانس شرکت جوید. سفر او از نظر سیاسی برای هند مفید نبود ولی سبب شد انگلیس از خواسته‌های واقعی ملت هند آگاه شود. قبل از این‌که پای گاندی به بمبئی برسد به دستور نایب‌السلطنه جدید، گروه زیادی از جمله جواهر لعل نهرو بازداشت شدند. همین‌که گاندی به بمبئی رسید گفت: «هدیهٔ میلاد مسیح یک نایب‌السلطنه مسیحی برای هندوان ذی‌قیمت است» او را نیز بازداشت کردند و بدون محاکمه به

زندان بردند. گاندی چون اطلاع یافت که دولت انگلیس قصد دارد در قانون اساسی هند برای پیروان هردین، انتخابات جداگانه‌ای منظور کند، طی نامه‌ای به نایب‌السلطنه اطلاع داد تا پای مرگ، روزه خواهد گرفت. دولت بریتانیا در پنجمین روز روزه گاندی اعلام کرد که از قصد خود بازگشته است، گاندی نیز روزه را شکست. او پس از رهایی از زندان، شش سال برای بهبود زندگی افرادی که نجس (پاریا) خوانده می‌شدند و او ایشان را «فرزندان خدا» لقب داده بود و امروزه نیز چنین خوانده می‌شوند، کوشید و مسلمانان و هندوان را به وحدت دعوت کرد.

آغاز جنگ جهانی دوم گاندی را به صحنه سیاست کشانید. پیشرفت ژاپن به سوی مرزهای هند و عدم توانایی انگلیس برای دفاع از شبه قاره بزرگ، سبب شد که گاندی دست به ابتکاری نو بزند و مبارزه‌ای را آغاز نماید که موسوم است به «از هند خارج شوید». گاندی روز ۷ اوت ۱۹۴۲ نطق شدیدی علیه انگلستان ایراد کرد و دو روز بعد همراه با دیگر پیشوایان حزب کنگره ملی روانه زندان شد. در فوریه سال بعد روزه ۲۱ روزه خود را برای برقراری آشتی میان مسلمانان و هندوان هند آغاز کرد ولی به علت وخیم شدن وضع مزاجی او و احتمال بلوای عمومی در آن کشور در روز ششم ماه مه آزاد شد. نایب‌السلطنه هند در ماه مه ۱۹۴۷ جلسه خصوصی برای ملاقات با گاندی و مسأله استقلال هند برپا ساخت. در نتیجه این ملاقات و مذاکره، آزادی هند در پانزدهم اوت ۱۹۴۷ م اعلام شد. گاندی از آن پس برای رفع اختلافات پیروان ادیان مختلف به‌خصوص هندو و مسلمانان همت گماشت و همواره پیاده از شهری به شهر دیگر می‌رفت. هر جا با مشکلی روبه‌رو می‌شد روزه می‌گرفت و مردم به سرعت اوامر او را می‌پذیرفتند و او اظطار می‌کرد. در ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ ساعت ۹/۵ صبح

در حالی که گاندی از عبادتگاه «بیرولاماوس» خارج می‌شد تا برای اجرای فریضه دینی به خانقاه رود، یک هندوی متعصب اهل «پوند» به نام رافیعیات به او نزدیک شد و در حالی که به ادای احترام تظاهر می‌کرد، با طپانچه کوچک خود سه تیر به طرف قلب وی شلیک کرد. گاندی که روزهای اخیر بیش از پیش ضعیف و استخوانی شده بود، بر زمین افتاد و پس از ادای کلمه «هرام» (خداوندا) درگذشت.

گاندی و روزنامه‌نگاری

نخستین مقاله گاندی در زمینه روزنامه‌نگاری «جزوه سبز» نام داشت که

رویت خلاصه‌ای از آن را به لندن مخابره می‌کرد. دبیرخانه لندن نیز خلاصه آن را برای مخابره به ناتال آماده می‌کرد. البته این جزوه بعدها برای گاندی خطرها و دردسرهایی زیادی ایجاد کرد. هزاران نسخه از این رساله را از طریق داوطلبان به مسکن اصلی خود راجکوت می‌فرستاد و کودکان و وظیفه رساندن این رساله‌ها را به مقصد، برعهده داشتند.

گاندی و انتشار افکار هندی

گاندی به مدت ۲۰ سال در آفریقای جنوبی به سر می‌برد. وی در سال ۱۹۰۴ مجله افکار هندی (Indian Opinion) را

■ **گاندی در طول سه ماه محکومیت، ساعات فراغت را به مطالعه می‌پرداخت و چنان از نظر روحیه و جنبه‌های اخلاقی تقویت شد که اعلام کرد بهترین محل برای ساختن و پرداختن روح زندان است.**

■ **گاندی در سال ۱۹۲۰ م مرکز سیاست حزب کنگره ملی را بنا نهاد ولی ریاست حزب را نپذیرفت و به‌طور غیرمستقیم آن را اداره می‌کرد.**

■ **پیشرفت ژاپن به سوی مرزهای هند و عدم توانایی انگلیس برای دفاع از شبه قاره بزرگ، سبب شد که گاندی دست به ابتکاری نو بزند و مبارزه‌ای را آغاز نماید که موسوم است به «از هند خارج شوید».**

■ **گاندی در مجله افکار هندی پیشنهاد کرد که هرکس برای نظریات و روش‌های او نامی پیدا کند، جایزه‌ای به او می‌دهد.**

به صورت هفتگی منتشر می‌ساخت. قسمت عمده درآمد، گاندی که از راه وکالت به دست می‌آمد صرف این مجله می‌شد. این مجله ابتدا به زبان‌های انگلیسی، گجراتی، تامیلی و هندی انتشار می‌یافت اما گاندی بعدها آن را به دو زبان انگلیسی و گجراتی منتشر کرد. هردوی این زبان‌ها برای گاندی زبان ملی به‌شمار می‌رفت. مجله افکار هندی نخستین وسیله مبارزه او در سال‌های آینده بود. با الهام از اندیشه‌های تولستوی، گاندی در خارج از شهر مزرعه‌ای به نام «فونیکس» در ۱۴ مایلی دوربان داشت و زمینی را به وسعت یکصد جریب به کار چاپ و کشاورزی

هنگام اقامت در خانه‌اش راجکوت در سال ۱۸۹۶ در ۱۰ هزار نسخه به چاپ رسید. گاندی روزنامه‌نگاری کم‌سرمایه بود، او حتی برای آن که جزوه‌ها را برای پست آماده کند از بچه‌های محل کمک می‌گرفت تا آنان در ازای دریافت تمبرهای باطله - که خود جمع‌آوری کرده بود - کار بسته‌بندی را انجام دهند.

جزوه «رساله سبز» برای هر یک از روزنامه‌های هندی، انگلیسی و اشخاص مهمی که در کنگره ملی هند عضویت داشتند و نیز برای کارمندان رسمی و اشخاصی که به این مسائل علاقه و گرایش داشتند، فرستاده می‌شد و خیرگزاری

گاندی در نشریه افکار هندی اشاره می‌کند: یکی از وظایف روزنامه، نشان دادن عیب هموطنان به خودشان و ارائه راه اصلاح آن است. نقش آموزگارانه یکی از وظایفی بود که گاندی و روزنامه‌اش بدان می‌پرداختند.

روزنامه افکار هندی ندای احساسات هندی‌ها بود و اهداف ساده و آشتی‌جویانه آن و راهنمای اخلاقی و عملی آنان بود. گاندی چون روزنامه‌نگاری را کاری تجاری نمی‌دانست از این‌رو به استثنای آغاز انتشار، آگهی نپذیرفت تا کمک مالی فراهم آورد و در چاپ آن حتی از کاغذ خارجی بیگانه استفاده نکرد. با تغییر مکان دستگاه چاپ روزنامه به اسکان‌نشین «فونیکس» که هم صرفه اقتصادی داشت و هم از پشتیبانی کار جامعه داوطلبانه‌ای بهره می‌برد، ادامه انتشار روزنامه تضمین شد. بدین ترتیب گاندی امیدوار شد هفته‌نامه او از فشارهای بیرونی مصون بماند و کار خود را در مسیر خدمت به جامعه وسیع‌تری - که آن را وظیفه اصولی نشر روزنامه می‌دانست - متمرکز کند. از نظر گاندی انتشار افکار هندی نوعی تعلیم پر دامنه و گسترده بود.

مدت‌ها پیش از تجارب گاندی در آفریقای جنوبی، انواع متنوعی از مقاومت بی‌خسونت بروز یافته بود و یقین است او بسیاری از آنها را می‌شناخته است. مثلاً در روزنامه افکار هندی چندین بار از نهضت‌زنی در بریتانیا که برای حق رأی زنان کوشیده است یاد می‌کند و حتی به شرح احوال شخصیت‌های گذشته اروپایی نظیر تایلر، هیون، سقراط و... می‌پردازد و آنان را مردانی می‌شمرد که به جای تن دادن به اوامر زورمداران از ندای وجدان خود پیروی کرده‌اند.

جمله «هند سواراج» (حکومت هند به دست هندی‌ها یا استقلال) در اواخر سال ۱۹۰۹ در هفته‌نامه افکار هندی درج شد و در سال ۱۹۱۰ به صورت رساله‌ای منتشر



ساد یعنی حقیقت و اگرها یعنی ثبات و استقامت است را انتخاب کرد که بعدها این نام به «ساتیاگراها» (عدم خسونت) تغییر کرد.

گاندی بعدها در ژوهانسبورگ مزرعه تعاونی دیگری شبیه مزرعه تعاونی فونیکس به وجود آورد و نام آن را مزرعه «تولستوی» گذاشت.

گاندی در آفریقای جنوبی با نگرارش مقاله و نامه در روزنامه افکار هندی و روزنامه‌های سفیدپوستان، سوء تفاهم‌های نژادی را برطرف کرد و بخش عمده هزینه این روزنامه از پس‌اندازهای ماهانه - بالغ بر ۷۵ لیر - تأمین می‌شد.

اختصاص داد و تالار بزرگی برای چاپخانه در آن تأسیس کرد و اولین شماره فکر هندی را در این مکان به چاپ رساند. گاندی مجله را با چرخ دستی اداره می‌کرد و پیروزی انسان بر ماشین، باعث خوشحالی او می‌شد.

او زمین‌های اطراف «فونیکس» را به قطعات سه جریبی تقسیم کرد و هر قطعه را به یکی از اعضای کار تعاونی سپرد تا در آنجا کشت کنند. گاندی در مجله افکار هندی پیشنهاد کرد که هرکس برای نظریات و روش‌های او نامی پیدا کند، جایزه‌ای به او می‌دهد. پسر عمویش ماگافلان عنوان «ساداگراها» که مرکب از

شد. وی در باب هند سواراج در هفته‌نامه افکارهندی نوشت:

«این تنها سلامی است که با ماهیت مردم و سرزمین‌مان هم آواست. سرزمینی که خاستگاه کهن‌ترین ادیان است و به آموختن تمدن جدید که مبتنی بر سیاه‌ترین نوع خشونت است و اساساً به نفی قادر متعال در نهاد انسان می‌پردازد و سراسیمه به سوی انهدام خود پیش می‌تازد نیازی ندارد.»

گاندی هدف روزنامه‌نگاری را خدمت می‌داند و می‌گوید: «نیروی مطبوعات و روزنامه، قدرت عظیمی است اما همان‌طور که نیروی لجام گسیخته یک

کسی باید در این مورد قضاوت کند؟ روزنامه‌های مفید و بی‌فایده مانند خوبی و بدی و به‌طور کلی با هم و در کنار هم هستند و انسان باید خود در آن همان نیکی را برگزیند.»

گاندی در کتاب این است مذهب من در مورد وظایف مطبوعات می‌گوید: «تنها هدف روزنامه و جریده خدمت به ملت است. درک احساسات و بیان آن از مهم‌ترین وظایف جراید است. روزنامه‌ها موظفند احساسات نیک را بین مردم توسعه دهند و بدی‌های جامعه را بدون وا همه فاش و بر ملا سازند.»

کتاب این است مذهب من به صورت

چگونه خواهد بود؟
تولستوی نویسنده شهیر روس در نامه‌ای به گاندی در سال ۱۹۱۰ به ترانسوآل آفریقای جنوبی می‌نویسد: «روزنامه شما ایندیان اوپینیون (افکارهندی) به دستم رسید. اسباب خوشحالی‌ام را فراهم کرد و تصمیم گرفتم افکاری را که از خواندن آن در من زنده شد برایتان بازگو کنم. مبارزه منفی در نهایت چیزی جز آموزش قانون عشق یا کشمکش روحی به سوی پیوند و همبستگی انسانی که نمایشگر قانون عالی و یگانه زندگی باشد نیست.»

گاندی در سال ۱۹۱۹ با استفاده از مطبوعات گام بلندی به سوی پیام رسانی و مربیگری در سطح ملی برداشت. در آفریقای جنوبی آموخت که وجود نشریات تا چه اندازه می‌تواند در سیاست مفید یا زیان‌آور باشد. در آنجا با خودآموزی به نقش کلمات مکتوب پی‌برد و در هند با نوشتن اوراق تبلیغی در سازماندهی و توضیح ساتیاگراها‌های احمدآباد و رولت آن را ادامه داد. در ماه مه ۱۹۱۹ سردبیر دو هفته‌نامه به اسامی هندجوان و هندنوجوان شد. هفته‌نامه‌ها به طرفدارانش در بمبئی که او را در مبارزات محلی گجرات کمک کرده بودند، تعلق داشت. این دو نشریه انگلیسی و گجراتی زبان، جای افکارهندی را که در احمدآباد منتشر می‌کرد، گرفتند. انگیزه گاندی برای سردبیری آنها تعلیم ساتیاگراها به مردم بود، درست مانند روزنامه افکارهندی در آفریقای جنوبی. گاندی برای حفظ استقلال این دو روزنامه از ملاحظات اقتصادی و سایر فشارها، از درج آگهی تبلیغاتی در آنها خودداری کرد. با این دو هفته‌نامه گذشته از آن که سکوی خطابه‌ای دائمی و مردمی در اختیار گرفت، صاحب ابزاری همیشگی شد که متخصصان آن را «چهره کردن در رسانه‌های گروهی» می‌نامند و معتقدند

■ **گاندی در آفریقای جنوبی با نگارش مقاله و نامه در روزنامه افکارهندی و روزنامه‌های سفیدپوستان، سوءتفاهم‌های نژادی را برطرف کرد و بخش عمده هزینه این روزنامه از پس‌اندازهای ماهانه - بالغ بر ۷۵ لیر - تأمین می‌شد.**

■ **گاندی در نشریه افکار هندی اشاره می‌کند: یکی از وظایف روزنامه، نشان دادن عیب هموطنان به خودشان و ارائه راه اصلاح آن است. نقش آموزگاران یکی از وظایفی بود که گاندی و روزنامه‌اش بدان می‌پرداختند.**

■ **روزنامه افکارهندی ندای احساسات هندی‌ها بود و اهداف ساده و آشتی‌جویانه آن و راهنمای اخلاقی و عملی آنان بود.**

پساورقی در هفته‌نامه افکارهندی در آفریقای جنوبی منتشر می‌شده است. وی در بخشی از این کتاب درباره روزنامه‌نگاری گفته است: «برای رأی‌دهندگان انگلیسی روزنامه، کتاب مقدس است. فرد انگلیسی به‌طور غیرمستقیم از روزنامه الهام می‌گیرد. یک واقعه با طرق مختلفی از نظر روزنامه‌های متعدد تفسیر می‌شود و بستگی به نظریه حزبی دارد که این روزنامه وابسته به آن است. یک فرد ممکن است به نظر یک روزنامه شریف و به نظر روزنامه دیگر بی‌شرف باشد. پس فکر ملتی که روزنامه‌های آن، چنین رویه‌ای دارند

سیلاب می‌تواند روستاها را در خود غرقه سازد و خرمن‌ها را نابود کند نیروی قلمی که تحت کنترل و نظارت نباشد ممکن است در خدمت ویرانی و تباهی قرار گیرد. اگر کنترل و نظارت از خارج و به صورت سانسور باشد، نتایجش از نبودن کنترل خطرناک‌تر خواهد بود. کنترل واقعی در صورتی ممکن است که از درون و از طرف خود نویسنده انجام شود.»

اگر این استقلال درست باشد می‌توان پرسید که چند روزنامه در دنیا هست که بتواند از این آزمایش به درستی بیرون آید؟ و چه کسی هست که از انتشار آنهایی که بی‌فایده هستند جلوگیری کند و چه

چاپ می‌رسید بنابراین هیچ سخنی از او بدون استفاده نمی‌ماند. □

منابع و مآخذ

۱. گاندی زندانی امید، تألیف جویدیت براون، ترجمه محمدحسین آریا، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم ۱۳۷۶.
۲. سرگذشت من، مهاتما گاندی، ترجمه مسعود برزین، انتشارات کتبخانه بهجت، ۱۳۵۵.
۳. هند دیگر، تألیف جواد مهدی‌زاده، انتشارات علم، ۱۳۵۷.
۴. توسعه اقتصادی، گذشته و حال، تألیف تی‌گیل، ترجمه محمود بنی‌زاده، چاپ اول ۱۳۶۶.
۵. عرفان و فلسفه، نوشته و تالیف استین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، سروش، چاپ دوم ۱۳۶۹.
۶. مهاتما گاندی، رومن رولان، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات روزبهان ۱۳۵۶.
۷. تصویری از زندگانی بزرگ، تألیف وینسبت شیان، ترجمه دکتر اسدالله مشیری، انتشارات مهرتبریز با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین ۱۳۴۵.
۸. همه مردم برادرند، مهاتما گاندی، ترجمه محمود نفضلی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۱.
۹. تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا، نوشته کوکی کیم، ترجمه علی درویش، انتشارات معاونت فرهنگی آستان‌قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۲.
۱۰. آزادی هند، مهندس مهدی بازرگان.
۱۱. جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر، تألیف ژاک برن، ترجمه رضا مشایخی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۷.
۱۲. فرهنگ سیاسی، داریوش آشوری، انتشارات مروارید، ۱۳۵۴.
۱۳. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، نویسندگان: جریس هسنول، اوسانا رولا، ترجمه داود حیدری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول ۱۳۷۳.

■ گاندی چون روزنامه‌نگاری را کاری تجاری نمی‌دانست از این رو به استثنای آغاز انتشار، آگهی نپذیرفت تا کمک مالی فراهم آورد و در چاپ آن حتی از کاغذ خارجی بیگانه استفاده نکرد.

■ گاندی در کتاب این است مذهب من در مورد وظایف مطبوعات می‌گوید: «تنها هدف روزنامه و جریده خدمت به ملت است. درک احساسات و بیان آن از مهم‌ترین وظایف جراید است. روزنامه‌ها موظفند احساسات نیک را بین مردم توسعه دهند و بدی‌های جامعه را بدون وا همه فاش و برملا سازند».

■ گاندی در سال ۱۹۱۹ با استفاده از مطبوعات گام بلندی به سوی پیام رسانی و مربیگری در سطح ملی برداشت.

من صفحات «یانگ ایندیا» را می‌بیند که به صورتی بسیار شایسته در برابرش قرار می‌گیرد و گاهی اوقات میل دارد با «رومن رولان» همصدا شود و بگوید این روزنامه تا چه حد پختگی و کمال پیرمردان را در خود دارد. اما دنیا باید بفهمد که کمال و پختگی چیزی است که باید با کمال دقت و مراقبت و همراه با نیایش و دعا پرورش یابد. اگر روزنامه‌ای من مورد قبول کسی قرار گرفته که عقیده‌اش برایم عزیز می‌باشد. خواننده‌ی من باید بداند وقتی که کمال و پختگی کاملاً طبیعی شد یعنی وقتی که مطلقاً نتوانم بدی کنم و موقعی که هیچ چیز زنده و کبرآمیز حتی برای لحظه‌ای در دنیای اندیشه‌ام راه نداشته باشد آن وقت است که آیین عدم خشونت من دل‌های همه مردم جهان را به حرکت خواهد آورد. و پیش از آن به چنین هدفی نخواهیم رسید. من در برابر خود و خوانندگان آرمان‌ها و آزمایش‌های غیرممکن را قرار نداده‌ام. آنچه من می‌خواهم امتیاز و حق طبیعی بشر است. ما بهشت خود را گم کرده‌ایم و اکنون باید بکوشیم آن را بازیابیم».

روزنامه هاریجان در حقیقت سخنگوی افکار و اندیشه‌های گاندی بود. مصاحبه و تحقیقات او در این روزنامه به

شخصیت‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. این «چهره‌گری» رضایت شخصی گاندی را فراهم آورد زیرا در مبارزه ساتیاگراها - فعال و چه غیرفعال - می‌توانست با انتشار هفته‌نامه‌ها آشکارا کاوش خود را برای یافتن حقیقت و انتشار آرمان‌هایش ادامه دهد.

گاندی در فوریه سال ۱۹۳۸ پس از رهایی از زندان، جمعیت هاریکان (هاریجان) را که هدفش بهبود اوضاع نجس‌ها از طریق تشکیل روستاهای نمونه و مدارس و سایر وسایلی بود، تأسیس کرد و به جای روزنامه هندجوان، جریده هفتگی هاریکان را منتشر ساخت. «هاریجان» به معنی فرزند خداست. جامعه هندو به چهار طبقه تقسیم می‌شد و مردمی بودند که از این گروه‌ها بیرون شمرده می‌شدند و آنها را نجس می‌دانستند و کارهای کثیف و جاروکنی را به آنها واگذار می‌کردند. در طول تاریخ افراد بسیاری برای مقابله با این رسم، قیام کردند. گاندی نیز به شدت با این تبعیض غیرانسانی مبارزه می‌کرد؛ از جمله با آنها هم‌خانه و هم‌غذا می‌شد و روزنامه‌ها هاریجان را به منظور دفاع و آموزش آنان چاپ می‌کرد.

گاندی معتقد بود: «خواننده روزنامه